



University of Tehran Press

Comparative Law Review

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-3404

Volume: 16, Issue: 2
Autumn & Winter
2025-2026

Control of the Assets of Public Officials in Iran's Legal System in the Light of the USA Legal System

Bizhan Abbasi¹ | Mostafa Rezaei² | Morteza Ghasemabadi³

1. Prof., Public Law Department, Law and Political Sciences Faculty, Tehran University, Tehran, Iran. Email: babbasi@ut.ac.ir
2. Corresponding Author, Public Law Department, Law Faculty, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: mo_rezaei@sbu.ac.ir
3. Ph.D. In Public Law, Law and Political Sciences Faculty, Tehran University, Tehran, Iran. Email: m.ghasemabadi1364@ut.ac.ir

Article Info

Article Type:
Research Article

Received:

2024/05/20

Received in revised form:

2024/12/19

Accepted:

2025/02/23

Published online:

2025/12/22

Keywords:

Public Officials, Asset, Transparency, Illicit Enrichment, Fighting Corruption.

Abstract

Nowadays, the declaration of public officials' assets has become an important tool in combating corruption. Accordingly, a public official whose assets increase abnormally during their tenure without legitimate justification is subject to investigation and punishment. Through such oversight measures, governments aim to prevent corruption by incorporating them into their legal frameworks. To achieve this goal, both the government and the public must have the ability to compare the actual assets of high-ranking officials before and after their tenure. By establishing such preemptive evaluation mechanisms in their constitutions or statutory laws, governments can prevent corruption. In Iran's legal system, this issue has been addressed in Article 142 of the Constitution, and the Law on Investigating the Assets of Officials has been enacted accordingly. Similarly, in the United States, the Ethics in Government Act was passed in 1978, requiring high-ranking officials in all three branches of government to disclose their assets. The main question of this study is: What are the shortcomings of Iran's legal system regarding the declaration of officials' assets compared to the U.S. legal framework? Using a descriptive-analytical method, the comparison reveals that in the U.S., the extent and details of officials' assets are made accessible to the public. However, in Iran, this information is considered confidential, and disclosing it carries legal penalties. Moreover, unlike the U.S., where officials are required to disclose their assets annually, there is no continuous oversight of this matter during officials' tenure in Iran. Additionally, to maintain the separation of powers, oversight responsibility in the U.S. is assigned within the respective branches of government, whereas in Iran, it is under the jurisdiction of the judiciary. Furthermore, unlike the U.S., Iran's Law on Investigating the Assets of Officials lacks enforcement mechanisms.

How To Cite

Abbasi, Bizhan; Rezaei, Mostafa; Ghasemabadi, Morteza (2025). Control of the Assets of Public Officials in Iran's Legal System in the Light of the USA Legal System. *Comparative Law Review*, 16 (2), 617-640. DOI: <https://doi.com/10.22059/jcl.2025.374753.634628>

DOI

10.22059/jcl.2025.374753.634628

Publisher

The University of Tehran Press.





نظارت بر دارایی مقامات عمومی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به نظام حقوقی امریکا

بیژن عباسی^۱ | مصطفی رضایی^۲ | مرتضی قاسم‌آبادی^۳

۱. استاد، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: babbasi@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول؛ گروه حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: mo_rezaei@sbu.ac.ir

۳. دانش‌آموخته مقطع دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: mortezaghasemabadi@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۳۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ کلیدواژه‌ها: مقام عمومی، دارایی، شفافیت، دارا شدن نامشروع، مقابله با فساد.	امروزه اعلام دارایی مقامات عمومی به ابزار مهمی برای مبارزه با فساد تبدیل شده است. بر این اساس، مقام عمومی که دارایی وی در دوره تصدی به شکل نامتعارفی افزایش یافته و دلیل موجهی برای آن نداشته باشد، تحت پیگرد و مجازات قرار می‌گیرد. به این ترتیب، دولت‌ها با پیش‌بینی این نوع نظارت در قوانین خود از فساد پیشگیری می‌کنند. جهت تحقق این هدف، حکومت و مردم باید از امکان مقایسه دارایی‌های واقعی مقامات عالی‌رتبه، پیش و پس از دوره تصدی برخوردار باشند. به این ترتیب، دولت‌ها با مقرر نمودن این نوع سازوکار ارزیابی پیشینی در قانون اساسی یا قوانین عادی خود مانع بروز فساد می‌شوند. به این مسئله در نظام حقوقی ایران در اصل ۱۴۲ قانون اساسی توجه شده و قانون رسیدگی به دارایی مقامات نیز در همین راستا تصویب شده است. در امریکا نیز در سال ۱۹۷۸ قانون اخلاق در حکومت به تصویب رسید که به موجب آن، مقامات عالی‌رتبه قوای سه‌گانه مکلف به افشای دارایی‌های خود هستند. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که کاستی‌های نظام حقوقی ایران در خصوص اعلام دارایی کارگزاران نظام در مقایسه با قوانین ایالات متحده امریکا چیست؟ این مقایسه با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و نشانگر آن است که در امریکا جزئیات اطلاعات مربوط به دارایی‌های مقامات در دسترس مردم قرار گرفته است. اما در ایران، محرمانه تلقی شده، افشای آنها متضمن مجازات قانونی است. افزون بر این، برخلاف امریکا که مقامات هرساله ملزم به افشای دارایی‌های خود هستند، در ایران در حین خدمت بر این امر نظارتی صورت نمی‌گیرد. همچنین در امریکا به‌منظور رعایت تفکیک قوا، مسئولیت نظارت بر این امر در قوای سه‌گانه در همان قوه مستقر شده، اما در ایران برعهده قوه قضاییه است. افزون بر این، برخلاف امریکا، قانون رسیدگی به دارایی مقامات ایران، فاقد ضمانت اجراست.
استناد	عباسی، بیژن؛ رضایی، مصطفی؛ قاسم‌آبادی، مرتضی (۱۴۰۴). نظارت بر دارایی مقامات عمومی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به نظام حقوقی امریکا. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i> ، ۱۶ (۲)، ۶۱۷-۶۴۰.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2025.374753.634628
DOI	10.22059/jcl.2025.374753.634628
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

مدیریت مطلوب، نیازمند نظارت است. موفقیت هر نظام به چگونگی نظارت آن بستگی دارد. در جامعه‌ای پیچیده که توقعات مردم از دولت مرتباً افزایش می‌یابد، برخورداری از دیوان‌سالاری اجتناب‌ناپذیر است. اما دیوان‌سالاری مخاطراتی به‌همراه دارد که نظارت بر آن را ضروری می‌سازد (Mirmohammadi, 2004: 5-6). بنابراین نظارت یک نظام را از انحراف از اهداف آن محافظت می‌کند (Sadeghpour & Moghaddas, 1993: 161). از این رو، محدودیت‌هایی که بر اختیارات دولتمردان اعمال می‌شود، همراه با نظارت و اجرای قوانین می‌تواند راهبرد نیرومندی برای مبارزه با فساد باشد (Ackerman, 2006: 257).

عدم نظارت و پاسخگویی دولتمردان، سبب سوءاستفاده از قدرت می‌شود. مردم حق دارند بدانند مقامات به چه فعالیت‌هایی مشغول‌اند، منابع مالی را چگونه صرف می‌کنند و میزان دارایی آنها در مدت تصدی آنها چه مقدار است. در راهبردهای مبارزه با فساد، به شاخص‌های مختلفی اشاره شده است؛ در شاخص پاسخگویی مسئولان، یکی از موارد، اعلام دارایی‌ها و وضع قوانین در خصوص تعارض منافع است (Abedi & Zarandi, 2009: 58). بانک جهانی نیز اعلام دارایی‌ها را یکی از ابزارهای اساسی مبارزه با فساد دانسته و مبارزه با فساد را بدون آن، غیرممکن قلمداد کرده است (Gokcekus & Mukherjee, 2006: 325). در حقیقت، بدون وجود شفافیت مالی، پاسخگویی بی‌معنا است (Meidari, 2006: 266). به‌طور کلی، اعلام دارایی به دو روش از فساد پیشگیری می‌کند: ۱- در شناسایی تعارض منافع کمک می‌کند؛ ۲- ابزاری را برای شناسایی دارایی‌هایی که از راه فساد تحصیل شده‌اند، فراهم می‌کند (Langseth, 2008: 366).

در همین خصوص بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل^۱ مقرر کرده است: «هر کشور عضو باید تلاش کند، هر جایی که مقتضی است و مطابق با اصول اساسی حقوق داخلی، تدابیر و سیستم‌هایی را ایجاد کند که مقامات دولتی را ملزم به ارائه اظهاریه نماید؛ ازجمله فعالیت‌های خارج از کار، مشاغل، سرمایه‌گذاری، دارایی‌ها و هدایا یا مزایای قابل توجهی که ممکن است منجر به تضاد منافع در خصوص عملکرد آنها به‌عنوان یک مقام دولتی می‌شود»^۲. ماده ۲۰ کنوانسیون یادشده نیز تصریح می‌کند: «هر کشور عضو، با توجه به قانون اساسی و اصول اساسی نظام حقوقی خود، اتخاذ قوانین و

۱. کنوانسیون مریدا

2. Article 8 of United Nations Convention against Corruption: "...5. Each State Party shall endeavour, where appropriate and in accordance with the fundamental principles of its domestic law, to establish measures and systems requiring public officials to make declarations to appropriate authorities regarding, inter alia, their outside activities, employment, investments, assets and substantial gifts or benefits from which a conflict of interest may result with respect to their functions as public officials".

سایر اقدامات لازم را مد نظر قرار می‌دهد تا دارا شدن نامشروع یعنی افزایش چشمگیر دارایی‌های یک مقام دولتی را که نمی‌تواند به‌صورت معقول در خصوص درآمد قانونی خود توضیح دهد، موقعی که به‌صورت عمدی ارتکاب یابد، جرم کیفری تلقی شود^۱.

همچنین بسیاری از کشورها در قوانین اساسی یا عادی خود، مقامات دولتی را ملزم کرده‌اند تا دارایی خود را پس از ورود به خدمت دولتی اعلام کنند (Chene, 2008: 1-2). بنابراین چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، تصاحب ثروت فاقد توجیه به دست کارکنان دولتی که از سبک زندگی یا دارایی‌هایی برخوردار بوده یا هستند که با درآمد قانونی گذشته یا حال آنها تعارض فاحشی دارد و نمی‌توانند توجیه قانع‌کننده‌ای ارائه دهند، جرم‌انگاری شده است (Langseth, 2008: 636).

در ایران نیز پیش از انقلاب اسلامی، قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت در همین خصوص و در جهت مقابله با فساد در سال ۱۳۳۷ تصویب شد. این قانون به‌واسطه عدم اجرای آن سال‌ها وسیله شوخی و ورد زبان مردم بود، به‌گونه‌ای که به قانون «از کجا آورده‌ای» شهرت یافت؛ تا جایی که ایستگاه اتوبوس نزدیک ساختمان بزرگ متعلق به سپهبد حاج علی کیا به «ایستگاه از کجا آورده‌ای» معروف شد (Amini, 2009: 164). پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز قانون اساسی در اصل ۴۹ دولت را مکلف کرد که با رسیدگی و تحقیق، ثروت‌های نامشروع را به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن آن، به بیت‌المال بدهد؛ از طرف دیگر برای مقابله با فساد و سوءاستفاده از قدرت، در اصل ۱۴۲ قانون اساسی چنین تصریح شد: «دارایی رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضاییه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد». بررسی مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی نیز نشانگر آن است که هدف از وضع این اصل، پیشگیری از سوءاستفاده از قدرت، طمع‌ورزی و مال‌اندوزی مسئولان و پرهیز از اسراف و دست‌اندازی به بیت‌المال بوده است (Assembly for the Final Review of the Constitution, 1985: 1289-1290).

در همین راستا در سال ۱۳۹۴، قانونی با نام «قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران»^۲ به تصویب رسید؛ قانونی که گامی مثبت در راستای تحقق حقوق مردم، شفافیت، پاسخگویی و مبارزه با فساد تلقی می‌شود. در امریکا نیز در سال ۱۹۷۸ «قانون اخلاق در حکومت»^۳ مصوب شد که به‌موجب آن مقامات عالی‌رتبه قوای سه‌گانه مکلف به افشای دارایی‌های خود می‌شوند.

1. Article 20 of United Nations Convention against Corruption: "Subject to its constitution and the fundamental principles of its legal system, each State Party shall consider adopting such legislative and other measures as may be necessary to establish as a criminal offence, when committed intentionally, illicit enrichment, that is, a significant increase in the assets of a public official that he or she cannot reasonably explain in relation to his or her lawful income."

۲. در ادامه، پژوهش به این صورت مورد استناد قرار می‌گیرد: قانون رسیدگی به دارایی مقامات

3. Ethics in Government Act 1978

از این نظر، پرسش اصلی مقاله این است که کاستی‌های نظام حقوقی ایران در خصوص افشای دارایی کارگزاران نظام در مقایسه با قوانین امریکا چیست؟ به این منظور، ابتدا مبانی نظارت بر دارایی مقامات بررسی و در ادامه نیز دایره شمول رسیدگی به دارایی مقامات، فرایند نظارت بر آن و ضمانت‌های اجرای این نوع نظارت در قوانین هر دو کشور تبیین می‌شود. شایان ذکر است که وجه تمایز این پژوهش با سایر پژوهش‌های مرتبط، اولاً در نگاه تطبیقی آن است و ثانیاً در این پژوهش تلاش شده است سایر قوانین مرتبط با رسیدگی به دارایی مقامات از جمله قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ نیز بررسی شود. در همین راستا، برخلاف سایر مقالات مرتبط، این مقاله آیین‌نامه اجرایی این قانون را نیز بررسی کرده است.

۲. مبانی نظارت بر دارایی مقامات عمومی

مسئله پاسخگویی مالی از منظر تاریخی، به معنای حفاظت از ثروت شاه یا جامعه بود. کاتیلیا^۱ ۳۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، در نخستین کتابچه راهنمای بوروکراسی^۲ می‌نویسد: «سرشت انسان به استفاده از ثروت عمومی برای نیل به اهداف شخصی گرایش دارد و همان‌طور که نمی‌توان عسل یا سم قرارگرفته بر روی زبان را نچشید، فردی که با پول دولت سروکار دارد نیز نمی‌تواند دست‌کم ذره‌ای از این ثروت را نچشد. همان‌طور که نمی‌توان فهمید ماهی چه وقت آب می‌نوشد، نمی‌توان فهمید مسئولان چه وقت از پول‌هایی که در اختیار آنان است، سوءاستفاده می‌کنند». در نهایت نیز پیشنهاد می‌کند در مواردی که یکی از مسئولان باعث از دست رفتن درآمد دولت می‌شود، اموال وی مصادره گردد (Premchand, 2006: 303).

از جمله انواع نظارت مالی، افشای عواید حاصل از فساد و به این طریق، زیر سؤال بردن مشروعیت منابع آنهاست. بر این اساس، مقام عمومی که دارایی وی طی دوره تصدی به شکل نامتعرفی افزایش یافته و با توجه به درآمدهای قانونی‌اش دلیلی برای چنین افزایشی وجود ندارد، تحت پیگرد و مجازات قرار می‌گیرد (Afuso-Emah et al., 2005: 24). آموزه‌های دینی ما نیز مؤید این امر هستند؛ امیر مؤمنان علی (ع) خطاب به مردم کوفه می‌فرماید: «من، به‌عنوان خلیفه وارد کوفه شدم با همین جل و پوست تخت و شتر، همین. اگر روزی که از اینجا می‌روم دیدید چیزی بیشتر دارم بدانید که من به یقین خائتم» (Majlesi, 1982: 325). همچنین آن حضرت در حکمت ۳۵۵ نهج‌البلاغه پس از مشاهده خانه باشکوه یکی فرمانداران حکومت می‌فرماید: «درهم‌های تو از این بنا سردرآورده و چنین بنایی به یقین نشانه غنا و ثروت توست» (Makarem Shirazi, 2011: 829). از این رو، مهم‌ترین هدف نظام‌های افشای مالی کارگزاران عمومی، حمایت از ایجاد و ترویج فرهنگ درستکاری و سلامت است (Rossi et al., 2017: 9).

۱. وی مشاور چاندراگوپتا مائوریا، بنیانگذار شاهنشاهی مائوریا هند، بود. کتاب ارته‌شاستره او در نوع خود یکی از منحصربه‌فردترین کتب سراسر تاریخ اندیشه سیاسی هند باستان محسوب می‌شود.

2. See: Kautilya, The Arthashastra, New Delhi: Penguin Classics, 1992, p. 281.

۳. گستره رسیدگی به دارایی مقامات

پیش از بررسی فرایند نظارت بر دارایی مقامات، لازم است منظور از دارایی و مقامات مشمول روشن گردد تا حدود این نوع نظارت مشخص شود.

۱.۳. دارایی

اینکه مقصود از دارایی در اصل ۱۴۲ قانون اساسی چیست، به تدقیق در واژه دارایی نیاز دارد. دارایی مانند ظرفی است که در آن هم اموال و حقوق مالی و هم دیون و تعهدات قرار دارند (Tayebi Tavakkol, 2016: 9). همه مطالبات و دیون و عیون منقول و غیرمنقول شخص دارایی اوست. دارایی دو قسم است: ۱- مثبت که به نفع مالک است؛ ۲- منفی که علیه اوست؛ مانند دیون و تعهدات مالی (Jafari, 2021: 1870). پس دارایی، مجموع حقوق و تکالیف مالی شخص است که از جمع روابط مالی او به دست می آید (Katouzian, 2021: 25).

ماده ۴ قانون رسیدگی به دارایی مقامات، دارایی را مشتمل بر: ۱- کلیه اموال غیرمنقول و حقوق دارای ارزش مالی، ۲- مطالبات و دیون، ۳- سرمایه گذاری و اوراق بهادار، ۴- موجودی حسابهای مختلف در بانکها، مؤسسات مالی و اعتباری و نظایر آنها و ۵- هرگونه منبع درآمدی مستمر دانسته است. قانون گذار به درستی در این ماده داراییهایی را که باید اعلام شود، برشمرده و با استفاده از عباراتی مانند «کلیه»، «هرگونه»، و «نظایر»، راه را بر هرگونه توجیه عدم شمول این قانون بسته است (Vakilian & Derakhshan, 2017: 238).

آنچه نباید از نظر دور داشت این است که دارایی مطابق اصل ۱۴۲ باید برخلاف حق افزایش یافته باشد. در این خصوص می توان به ماده ۲۰ کنوانسیون مریدا رجوع کرد که دارا شدن من غیرحق را افزایش چشمگیر داراییهای مقامی دانسته است که به صورت معقول نمی تواند در مورد درآمد قانونی خود توضیح دهد. از این رو، عنصر مادی لازم برای دارا شدن من غیرحق را می توان تملک ثروت همراه با ناتوانی از توجیه آن بر طبق درآمد قانونی شخص دانست. در حقیقت، ویژگی اصلی این جرم، تقدم اماره مجرمیت بر اصل براءت است، زیرا در ماده ۲۰ کنوانسیون مریدا تصریح شده است که مقام دولتی باید دلیل منطقی برای افزایش ثروت خود داشته باشد و بار اثبات مشروعیت اموال برعهده متهم قرار می گیرد (Mirsaeidi & Najjarzadeh, 2012: 64-65).

در خصوص اینکه در قوانین کشور معیار افزایش نامشروع داراییها چیست، می توان به «قانون الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹» مراجعه کرد. ماده ۴ قانون نامبرده، اموال نامشروع را اموال ناشی از سوءاستفاده از موقوفات، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی و سوءاستفاده از مقاطعه کاریها و

معاملات دولتی و اموال حاصل از غصب، رشوه، اختلاس و سایر موارد مندرج در اصل ۴۹ دانسته است. تبصره ۳ این ماده نیز معیار دیگری را ذکر کرده است که بر اساس آن سوءاستفاده مدیران دستگاه‌های اجرایی از موقعیت شغلی خود و اتخاذ تصمیمات برخلاف قانون و یا من‌غیرحق به گونه‌ای که از قبل آنها اموالی برای خود یا خویشاوندان تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه یا وابستگان و شرکای خود تحصیل کنند، موجب عدم مشروعیت این اموال دانسته است.

میزان اطلاعاتی که در خصوص دارایی باید اعلام شود، بستگی به هدف افشای اطلاعات دارد. در واقع، کنترل تعارض منافع مستلزم آگاهی از منافع است که ظرفیت تأثیر بر صلاحیت‌های مقامات را دارد و نه تصویری الزاماً همه‌جانبه از تمام دارایی‌های او. از سوی دیگر، نظارت بر ثروت‌اندوزی تنها زمانی امکان‌پذیر است که اطلاعات اعلام‌شده به‌درستی نشانگر همه دارایی‌ها و نوسانات آن باشد (OECD, 2011: 15). در این خصوص، قوانین داخلی باید شرایط ثبت فراگیر دارایی‌ها و شناسایی مالکان آنها را فراهم کند. همچنین، آنها باید به ناظر، اختیار دسترسی به اسناد رسمی و مستندات شرکت‌ها و بانک‌ها را اعطا کنند. ناشناس بودن مالکیت، دشمن فطری شفافیت و پاسخگویی است (Langseth, 2008: 563). به این منظور ناظران باید بر خریدها و قراردادهایی تمرکز کنند که مهیا بودن بیش‌ازحد پول را نشان دهد. ازجمله می‌توان به تحقیق از منازل مسکونی، خودروها، مسافرت‌ها، هزینه‌های تفریحی، هزینه پوشاک، خرید آثار هنری، عتیقه‌جات و جواهرات و هزینه‌های درمانی اشاره کرد که شاخص‌هایی مبنی بر تغییر سبک زندگی مسئولان است (Langseth, 2008: 560). ممکن است مقام عمومی بدون اینکه مستقیماً دارایی خود را افزایش دهد، کیفیت زندگی خود را به گونه‌ای نامشروع ارتقا دهد و از خدمات و امتیازاتی توجیه‌ناپذیر استفاده کند. در اینجا «سبک زندگی» می‌تواند اماره‌ای باشد که نظر مقام تعقیب را به فساد احتمالی مقام عمومی جلب کند (Molakarimi, Amiri, 2021: 1401).

در امریکا نیز مطابق بند «الف» ماده ۱۰۲ قانون اخلاق در حکومت، اظهاریه افشای دارایی مطابق قانون اخلاق در حکومت مشتمل بر موارد زیر است: ۱- درآمد؛ درآمد شخصی مقامات از ۲۰۰ دلار یا بیشتر و منبع چنین درآمدی؛ ۲- هدیه؛ هدایای دریافتی از منابع خصوصی بیش از مقدار مشخص؛ ۳- دارایی؛ اصل همه درآمدهای حاصل از مالکیت سهام، اوراق قرضه، صندوق سرمایه‌گذاری مشترک، اوراق بهادار، اموال اجاره‌ای و غیره دارای ارزشی بیش از ۱۰۰۰ دلار؛ ۴- بدهی‌ها؛ بدهی به طلبکاران بیش از ۱۰۰۰۰ دلار و اطلاعات در مورد وام‌های مسکن خانه‌های شخصی باید از سوی رئیس‌جمهور، معاون رئیس‌جمهور، اعضای کنگره، نامزدهای انتخاباتی، مقامات منصوب‌شده در بیشتر سمت‌های رسمی و مورد تأیید مجلس سنا اعلام گردد؛ ۵- معاملات؛ معاملات ارزش بیش از ۱۰۰۰ دلار؛ ۶- مشاغل دوم؛ مشاغل تجاری بیرونی یا مشاغل سازمانی دیگر؛ ۷- قراردادهای ۸- منافع حاصل از تراست‌های کور (Maskell, 2013: 3).

۲.۳. مقامات مشمول نظارت

اصل ۱۴۲ از مقامات خاصی نام برده و از سوی دیگر، شرایط خاص و مقام ویژه‌ای را برای رسیدگی به دارایی آنان معرفی کرده است که در قسمت پیش رو به تبیین این مسائل می‌پردازیم. بر اساس بند «الف» ماده ۲ کنوانسیون مریدا یک مقام عمومی شخصی است که صرف‌نظر از دائمی یا موقتی بودن، انتصابی یا انتخابی بودن و جایگاه مقام وی و اینکه حقوقی از دولت دریافت می‌کند یا نه، دارای منصبی در قوای سه‌گانه است.^۱ اصل ۱۴۲ فهرستی از مقامات را مشمول رسیدگی به دارایی معرفی نموده است که به ترتیب در قسمت زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱.۲.۳. رهبری، همسر و فرزندان

نخستین شخص از فهرستی که در اصل ۱۴۲ مشمول نظارت بر دارایی واقع شده است، رهبری است که با توجه به اطلاق قسمت اخیر این اصل، همسر رهبر و فرزندان ایشان هم مشمول این نظارت هستند. به استناد قانون اساسی، عالی‌ترین مقام رسمی کشور رهبری است، اما ولایت فقیه در قانون اساسی به صورت حکومت مطلقه نیامده و قانون اساسی در موارد خاص، حدود اختیارات رهبر را مشخص و اهرم‌هایی برای نظارت بر رهبری معین کرده (Amid Zanjani, 2008: 73) که از جمله آنها نظارت بر دارایی وی از سوی رئیس قوه قضاییه به موجب اصل ۱۴۲ است. مقام رهبری به لحاظ شخصی آن گونه که در ذیل اصل ۱۰۷ آمده است: «...رهبر در برابر قانون اساسی با سایر افراد مساوی است» و با عموم افراد کشور از هر طبقه‌ای که باشند در مقابل قانون یکسان است و امتیازی بر دیگران اعم از امتیاز فردی، گروهی و طبقاتی به لحاظ رهبر بودن ندارد (Kaabi, 2015: 22)؛ از این رو در ایران، مناصب بر موقعیت شخصی اشخاص مؤثر نیست. این امر ناشی از اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی است که مردم، یکسان در برابر قانون و در حمایت آن قرار دارند و موقعیت و مقام سبب امتیاز نیست. مؤید این امر، اصل ۱۰۷ قانون اساسی است (Hashemi, 2000: 61).

۲.۲.۳. رئیس‌جمهور، همسر و فرزندان

پس از مقام رهبری، عالی‌ترین مقام رسمی کشور رئیس‌جمهور است و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد (اصل ۱۱۳). چنین جایگاهی وی را در مظان اتهام،

1. Article 2 of United Nations Convention against Corruption: "Public official" shall mean: (i) any person holding a legislative, executive, administrative or judicial office of a State Party, whether appointed or elected, whether permanent or temporary, whether paid or unpaid, irrespective of that person's seniority".

سوءاستفاده از منصب و فساد مالی قرار می‌دهد؛ از همین رو باید اهرم‌هایی تعبیه شود که امکان سوءاستفاده از بین رفته، زمینه‌های تعارض منافع مسدود گردد. بنابراین اصل ۱۴۲، رئیس‌جمهور را موظف به اعلام دارایی خود به رئیس قوه قضاییه نموده است تا زمینه‌های پاسخگویی این مقام در برابر مردم محقق گردد. افزون بر شخص رئیس‌جمهور، همسر و فرزندان وی نیز موظف به اعلام دارایی خود هستند.

۳.۲.۳. معاونان رئیس‌جمهور، همسر و فرزندان

اشخاص دیگری که به‌موجب اصل ۱۴۲ قانون اساسی موظف به اعلام دارایی خود شده‌اند، معاونان رئیس‌جمهور هستند که موجب اصل ۱۲۴ قانون اساسی از سوی [رئیس‌جمهور](#) برای انجام وظایف قانونی منصوب می‌شوند و نیازی به گرفتن رأی اعتماد برای آنها از مجلس وجود ندارد. همچنین در جلسات هیئت وزیران شرکت می‌کنند. از این منظر، دارای جایگاه رفیعی در ساختار دولت هستند و ممکن است در مظان فساد مالی قرار بگیرند؛ لذا اصل ۱۴۲ آنان را به همراه همسر و فرزندانشان موظف به اعلام دارایی خود به رئیس قوه قضاییه نموده است.

۳.۲.۴. وزیران، همسر و فرزندان

قانون اساسی برای وزیران مسئولیت‌های گوناگونی را قائل شده است؛ یکی از آنها، مسئولیت مالی است، چراکه وزیران در مقام ایفای وظایف خود با امور مالی فراوانی همچون، بودجه، وجوه عمومی، قراردادهای مالی، اموال دولتی و... سروکار دارند و سوءاستفاده دور از ذهن نیست. لذا اصل ۱۴۲ موضوع افزایش دارایی وزرا، همسر و فرزندان آنها را مد نظر قرار داده است (Hashemi, 2000: 412).

۳.۲.۵. مقامات مشمول قانون رسیدگی به دارایی مسئولان

افزون بر مقاماتی که در اصل ۱۴۲ آمده، قانون رسیدگی به دارایی مقامات، دایره مقامات مشمول نظارت در اصل ۱۴۲ را وسعت بخشیده است. در این خصوص، همواره یکی از اختلاف نظرهای شورای نگهبان با مجلس، مسئله شمول یا عدم شمول نظارت بر دارایی بر مقاماتی غیر از اشخاص یادشده در اصل ۱۴۲ بوده است و این شورا تاکنون در مورد چهار طرح، «تحوه اعمال نظارت بر کاهش هزینه‌های غیرضرور»، «ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد»، «احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور» و «رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران»، گسترش شمول مقامات موضوع اصل ۱۴۲ را خلاف این اصل دانسته است (Moradkhani & Sabaghi Valashani, 2022: 174).

در این خصوص دو رویکرد مطرح شده است:

الف) رویکرد عدم شمول حکم اصل ۱۴۲ به سایر مقامات. به موجب این دیدگاه حکم اصل ۱۴۲ صرفاً ناظر بر مقاماتی است که در اصل ذکر شده‌اند و سایر مقامات را دربر نمی‌گیرد و حصری است. شورای نگهبان نیز قائل به این تفسیر است (Guardian Council, 2010). از سوی دیگر، اصل ۱۴۲ در خصوص اصل ۳۷ قانون اساسی قابل تفسیر است. این اصل، بیانگر برائت است که به موجب آن، هر کس اموالی دارد به حق است و از راه مشروع آن را کسب کرده، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. بنابراین، اصل ۱۴۲ استثنایی بر اصل برائت است و باید مضیق تفسیر شود (Majles Research Center, 2008: 1-2).

ب) رویکرد شمول حکم اصل ۱۴۲ به دیگر مقامات. مطابق این نظریه، حکم اصل ۱۴۲ قانون اساسی مبنی بر اعلام دارایی‌ها، افزون بر مقامات یادشده در اصل، شامل سایر مقامات نیز می‌شود؛ زیرا دلیل نظارت مالی بر مسئولان نامبرده در اصل هرچه باشد، قابل صدق بر دیگر مسئولان است (Rasekh, 2011: 124). بر اساس این رویکرد که قائل به تفسیر غایت‌گرا از اصل ۱۴۲ است، مقامات نامبرده در این اصل، تمثیلی هستند. دلایل طرف‌داران این رویکرد آن است که نخست، با تفسیری غیر از تفسیر نتیجه‌گرا، هدف قانون‌گذار از تدوین اصل پیش‌گفته محقق نخواهد شد. قصد قانون‌گذار اساسی از بررسی دیگر اصول قانون اساسی، قابل فهم است و در اصول دیگر نیز به موضوع مقابله با فساد و نظارت بر عملکرد دستگاه‌های دولتی در برابر سوءاستفاده‌های مالی پرداخته است که در این زمینه می‌توان به بند ۱ اصل ۳ و اصول ۴۹ و ۵۵ اشاره کرد.

دوم، درست است که قانون‌گذار اساسی در اصل ۱۴۲ در خصوص سایر مقامات ساکت است، اما این سکوت دلیلی بر منع قانون‌گذاری نیست. قانون‌گذار اساسی به دلیل اهمیت جایگاه مقامات عالی‌رتبه قوه مجریه و ارتباط قابل توجه آنها با مسائل مالی، مقرراتی در خصوص رسیدگی به دارایی این مقامات وضع کرده است (Moradkhani & Sabaghi Valashani, 2022: 176).

سوم، وقتی دارایی رهبر، رئیس‌جمهور و وزیران قابلیت رسیدگی دارد، به طریق اولی، دارایی سایر مقامات که از لحاظ جایگاه پایین‌تر از افراد یادشده هستند، قابل رسیدگی خواهد بود.

چهارم، مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی حاکی از آن است که اراده قوه مؤسس بر حصر نبوده است. آنچه مطرح بوده این است که مسئولان نظام به دلیل داشتن قدرت در معرض لغزش و سوءاستفاده هستند؛ لذا باید کنترل شوند و این کنترل محدود به مصادیق اصل ۱۴۲ نیست.

پنجم، حصر مفهومی زائد بر مدلول مطابقی کلام است. حصر نیاز به دلیل دارد و اگر قانون‌گذار قصد حصر داشت، باید از ادات حصر استفاده می‌کرد و در اصل ۱۴۲ هیچ‌گونه ادات حصری بیان نشده است (Majles Research Center, 2008: 2-3).

در نهایت، با تصویب قانون نامبرده از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، دایره شمول اشخاص ملزم به افشای دارایی به مدیران میانی نیز افزایش یافت. تصویب مراتب پیش‌گفته در مجمع، به آن

معناست که مصلحت نظام ایجاب می‌کند جامعه‌ای که می‌خواهد شفاف باشد، مسئولان حتی فراتر از موارد منصوص در قانون اساسی اموال خود را اعلام کنند (Saleh-Ahmadi, 2021: 515). با وجود این، قانون یادشده به آشنایان و دوستان مقامات مشمول این قانون و خویشاوندان نسبی و سببی مانند والدین، خواهر و برادر و والدین همسر مقامات اشاره‌ای نکرده است (Vakilian & Derakhshan, 2017: 240). بنابراین، اگر کارگزاری قصد ثروت‌اندوزی نامشروع داشته باشد، به‌آسانی قادر است اموال حاصله را به بستگان نزدیک، به‌جز همسر و فرزندان خود منتقل کند (Najjarzadeh Ahari et al., 2020: 9). در نهایت ماده ۳ این قانون، شمول آن را افزون بر مقامات یادشده در اصل ۱۴۲ به مقاماتی همچون، نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام و دبیر آن، مقامات منصوب از سوی رهبری، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس، معاونان رئیس قوه قضاییه و رؤسای سازمان‌های وابسته به آن و معاونان و مدیران کل آنان، دادستان کل کشور، رئیس دیوان عالی کشور و رئیس دیوان عدالت اداری و رؤسای کل دادگستری استان‌ها و معاونان همه آنها و سایر دارندگان پایه قضایی، مشاوران سران سه قوه، رؤسای دفاتر سران سه قوه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان رهبری، دستیاران ارشد رئیس‌جمهور، معاونان وزراء، مدیران کل و هم‌ترازان آنها، دبیران شوراهای عالی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات کشور، معاونان آنان و اعضای هیئت مستشاری، رئیس کل بانک مرکزی و اعضای هیئت عامل آن، رؤسا و معاونان مؤسسات دولتی، مؤسسات عمومی غیردولتی و مدیران کل آنها، فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح از درجه سرتیپ تمام و بالاتر و هم‌ترازان آنها و رؤسای کلانتری‌ها، مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره شرکت‌های دولتی، استانداران و معاونان آنان، فرمانداران، شهرداران و اعضای شورای شهر تمامی شهرها و معاونان شهرداران کلان‌شهرها و مقامات دیپلماتیک و کنسولی گسترش داد.

در نظام حقوقی امریکا نیز به‌موجب ماده ۱۰۱ قانون اخلاق، در دولت مقاماتی از قبیل رئیس‌جمهور، معاون رئیس‌جمهور، همه اعضای کنگره (و همچنین نامزدهای ریاست جمهوری، معاونت ریاست جمهوری و کنگره)، قضات و دادگستری فدرال و کارکنان سطح بالا در قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضاییه دولت فدرال مکلف به اعلام دارایی‌های خود هستند (Maskell, 2013: 1).

۴. فرایند نظارت بر دارایی مقامات عمومی

در اینجا بازه‌های زمانی رسیدگی به دارایی مقامات و مرجع نظارت بر این امر بررسی می‌شود. الزام کارگزاران دولتی به اعلام منظم دارایی‌های خود، از ارتکاب فساد جلوگیری می‌کند؛ زیرا شناسایی ثروت نامشروع و تعقیب جرایم ناشی از دارا شدن غیرقانونی را آسان می‌سازد (Langseth, 2008: 561).

۱.۴. مقاطع زمانی اعلام دارایی

با عنایت به اصل ۱۴۲ قانون اساسی تنها دو مقطع زمانی برای اعلام فهرست دارایی مقامات عمومی پیش‌بینی شده است؛ یکی پیش از تصدی خدمت دولتی و دیگری پس از تصدی خدمت دولتی. لذا نظارت یادشده در این اصل نظارت مستمر و در حین خدمت نیست؛ درحالی که پیش از این، به موجب قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت مصوب ۱۳۳۷، مشمولین این قانون مکلف بودند هر سال کلیه تغییرات به‌وجودآمده در دارایی و درآمد آنان، همسر و فرزندان‌شان و روش‌های تحصیل آنها را اعلام کنند.

اولین مقطع زمانی که مقامات مشمول مکلف شده‌اند تا فهرست دارایی خود را اعلام نمایند، قبل از ورود به خدمت دولتی است. این برهه به حدی اهمیت دارد که ماده ۲ قانون رسیدگی به دارایی مقامات، یکی از شرایط تصدی سمت‌های موضوع اصل ۱۴۲ و قانون یادشده را تعهد به اعلام فهرست دارایی‌های خود، همسر و فرزندان تحت تکفل در قالب خوداظهاری به قوه قضاییه دانسته است. البته به موجب ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی این قانون، سامانه‌ای به این منظور پیش‌بینی شده است و اعلام دارایی در این سامانه صورت می‌گیرد. ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی نیز مقامات مسئول را موظف کرده است بی‌درنگ پس از انتخاب یا انتصاب، فرم تعهدنامه را تأیید کنند و شروع به کار اشخاص نامبرده را منوط به تأیید این تعهدنامه (موضوع ماده ۲ قانون) دانسته است.

اما اینکه این مقطع زمانی چه برهه‌ای را دربر می‌گیرد و در چه مدت‌زمانی قبل از ورود مقام به پست دولتی باید دارایی فرد بررسی شود، یک ابهام بزرگ در این اصل تلقی می‌شود. به احتمال فراوان، قانون‌گذار اساسی دو مقطع زمانی پس و پیش از خدمت دولتی را به صورت دو مقطع پیوسته مدنظر داشته است. به عبارت دیگر، مقام عمومی پیش از ورود به خدمت دولتی اعلام می‌کند دارایی‌اش چه میزان است و هنگام ترک خدمت دولتی اظهار می‌دارد چه قدر دارایی دارد و اگر برخلاف حق افزایش یافته باشد، آنگاه نوبت به ضمانت اجرا و جرایم معمول در این خصوص می‌رسد که از مذاکرات برخی اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (Assembly for the Final Review of the Constitution, 1985: 1287-1288) چنین برمی‌آید. از طرف دیگر، به نظر تأکید بخش اخیر اصل ۱۴۲ قانون اساسی که مقرر داشته: «برخلاف حق افزایش نیافته باشد»، مؤید همین مسئله است.

ماده ۱ قانون رسیدگی به دارایی مقامات نیز به جای جمله «قبل و بعد از خدمت دولتی» از «ابتدا و انتهای دوره مسئولیت» استفاده کرده است. در این خصوص بند «ج» ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون یادشده، دوره مسئولیت را مدتی دانسته است که از زمان انتخاب یا انتصاب به سمت موضوع قانون آغاز می‌شود و تا پایان مدت مسئولیت ادامه می‌یابد.

با وجود این، مقام عمومی ممکن است به یکباره از کار برکنار شود، عزل گردد و یا به علل گوناگونی

فوت نماید، در این صورت تکلیف مرجع ناظر بر دارایی افراد چیست؟ زیرا مطابق اصل ۱۴۲، به نظر می‌رسد که خدمت دولتی فرد به لحاظ مدت قانونی باید آغاز شود و در زمان قانونی پایان یابد که دارایی خود را اعلام کند. از این رو، متداول‌ترین زمان برای تحویل اظهارنامه دارایی در زمان تصدی مقام و پس از آن به صورت سالیانه و در نهایت، زمان ترک خدمت است. برنامه پیش‌گفته، این امکان را به وجود می‌آورد که دارایی مقام عمومی از زمان تصدی دنبال و تغییرات آن در فواصل منظم مشاهده شود (OECD, 2016: 129). در امریکا نیز مطابق بند «د» ماده ۱۰۱ قانون اخلاق در دولت، نمایندگان کنگره و مسئولان عالی‌رتبه مجریه باید هر سال در ۱۵ ماه می نسبت به تکمیل برگه مربوط به اموال، دارایی‌ها، بدهی‌ها، حقوق ماهیانه، هدایای دریافتی و معاملات خود اقدام کنند^۱.

۲.۴. مراجع نظارت بر دارایی مقامات

نهاد رسیدگی‌کننده به دارایی مقامات باید دارای اختیارات، مهارت، امکانات و منابع لازم برای گردآوری و بررسی اطلاعات مالی آنان باشد. همچنین در مقابل مداخله‌های ناروای سیاسی باید از حمایت لازم برخوردار باشد تا استقلال و بی‌طرفی او حفظ شود (Taghizadeh & Behroozinejad, 2019: 95).

۱.۲.۴. مراجع نظارت بر دارایی مقامات در ایران

با عنایت به اصل ۱۴۲ قانون اساسی، قانون رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولان نظام و قانون الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹، می‌توان سه مرجع را جهت نظارت بر دارایی مقامات و مسئولان ایران به ترتیب زیر از هم بازشناخت.

۱.۱.۲.۴. رئیس‌قوة قضایه

نظارت مالی مقرر شده در اصل ۱۴۲ قانون اساسی، اصولاً در صورتی با بی‌طرفی و به نحو کارآمد تحقق می‌یابد که به دست مقام یا نهادی انجام شود که یا مستقیماً منصوب یکی از مقامات تحت نظارت نباشد و یا اگر این‌گونه منصوب شده است، از سوی همان مقام قابل عزل نباشد. به این ترتیب، مقام ناظر نوعی استقلال به دست می‌آورد و با اعتماد به نفس بیشتری به وظیفه خود عمل خواهد کرد (Rasekh, 2011: 123). با وجود این، مطابق اصل ۱۴۲ رئیس‌قوة قضایه، در عین آنکه منصوب مقام رهبری و در مقابل وی مسئول است، نظارت بر دارایی این مقام را برعهده دارد (Hashemi, 2000: 63).

1. Section 101 (d) of Ethics in Government Act: "Any individual who is an officer or employee described in subsection (f) during any calendar year and performs the duties of his position or office for a period in excess of sixty days in that calendar year shall file on or before May 15 of the succeeding year a report containing the information described in section 102(a)".

پیش از بازنگری قانون اساسی، بر پایه اصل ۱۴۲ قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، این امر از طرف رئیس دیوان عالی کشور که رهبری وی را منصوب می‌کرد اعمال می‌شد، اما عزل وی در اختیار رهبری نبود. در شورای بازنگری قانون اساسی برخی اعضای شورا دقیقاً بر همین نظر بودند. آیت‌الله مهدوی کنی در این خصوص معتقد بود: «رئیس قوه قضاییه خود منتخب مقام رهبری است و کسی که خود منتخب است می‌خواهد اموال و دارایی رهبری را به منظور یک رسیدگی واقعی بررسی کند، این امر خود شبهه‌ناک است» (Council for the Revision of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, 1990: 1466). از طرف دیگر، آیت‌الله عمید زنجانی معتقد بود که فرض ما این است که در این خصوص هیچ تخلفی صورت نمی‌گیرد و اگر تخلفی صورت بگیرد باید واقعاً رسیدگی شود و در واقع، یک کار قضایی است و کار قضایی هم در اختیار دیوان عالی کشور است و رئیس قوه قضاییه، کار قضایی انجام نمی‌دهد. لذا برای پیشگیری از تخلف باید دستگاه قضایی را به صورت مستقل وارد مسئله کنیم تا به صورت ماهوی و مستقل عمل کند که این امر صرفاً کار دیوان عالی کشور است (Council for the Revision of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, 1990: 1466-1467).

حال که نظارت مالی یادشده در اصل ۱۴۲ با رئیس قوه قضاییه است، باید گفت که مقام ناظر به‌نظر در جایگاه مقام قضاوت‌کننده نیست و در نهایت، گزارش خود را به مرجع قضایی ذی‌صلاح می‌دهد. لذا ضرورتی ندارد که نظارت مالی مندرج در اصل ۱۴۲ به دست یک مقام قضایی انجام شود. بنابراین، مقام ناظر در صورت بروز مسئله قطعاً خود قاضی ادعاهای مندرج در گزارش خویش نخواهد بود. از این رو باید نظارت به دست مقام یا نهاد تخصصی مالی انجام شود (Rasekh, 2011: 124-125). به این منظور بر طبق ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به دارایی مقامات، اداره کل ثبت دارایی‌های مقامات مسئول زیر نظر رئیس قوه قضاییه به‌منظور انجام وظایف موضوع این قانون تشکیل می‌گردد.

از آنجا که مقام صالح برای رسیدگی به دارایی مقامات به تصریح اصل ۱۴۲ قانون اساسی «رئیس قوه قضاییه» است، مجلس نمی‌تواند این صلاحیت را به سایر نهادها واگذار کند. از این رو، شورای نگهبان در بند ۲ نظر شماره ۲۰۹۳ مورخ ۱۵ آبان ۱۳۷۰، ماده ۵ طرح نحوه نظارت بر کاهش هزینه‌های غیرضرور و جلوگیری از تجمل را به دلیل واگذار نمودن رسیدگی به اموال مقامات یادشده در اصل ۱۴۲ به دیوان عالی کشور، خلاف قانون اساسی دانست (Research Institute of the Guardian, 2021: 275-276).

۲.۱.۲.۴. مرجع تعیین‌شده از طرف رهبری

سؤال بزرگی که نظارت بر دارایی مقامات مندرج در اصل ۱۴۲ به ذهن متبادر می‌سازد این است که

دارایی رئیس قوه قضاییه باید از جانب چه مرجعی رسیدگی شود؟ قانون رسیدگی به دارایی مقامات در تبصره ۱ ماده ۳ این قانون در این خصوص تعیین تکلیف کرده و برای رئیس قوه قضاییه، مرجع جداگانه‌ای پیش‌بینی نموده است: «رئیس قوه قضاییه موظف است دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفل خود را قبل و بعد از خدمت به مرجعی که رهبری تعیین می‌کند، اعلام نماید». حال چه مرجعی و با چه سازوکاری بر خود رئیس قوه قضاییه نظارت مالی می‌نماید، تاکنون مشخص نشده است، اما به نظر می‌رسد با توجه به وظایف دفتر بازرسی بیت رهبری، برعهده این مرجع باشد؛ چراکه به موجب حکم صادره از سوی رهبری برای این مقام، بازرسی از نهادهای مربوط به رهبری نیز به فهرست وظایف رئیس این دفتر اضافه شده است.^۱ در آیین‌نامه اجرایی این قانون باید تکلیف این مسئله روشن می‌شد، که در این خصوص آیین‌نامه ساکت است.

۴.۲.۱.۳. دادستان کل کشور

افزون بر ناظران یادشده، به موجب «قانون الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی» مصوب ۱۳۹۸، دادستان می‌تواند به دارایی‌های مسئولان از جهت اصل ۴۹ قانون اساسی رسیدگی کند. به موجب ماده ۱ قانون پیش‌گفته^۲، مقرر شده است که احکام تعیین‌شده در مواد ۵ تا ۷، ۹ و ۱۱ تا ۱۵ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ مصوب ۱۳۶۳، شامل رؤسا، مدیران و مسئولان دستگاه‌های موضوع ماده ۳ قانون رسیدگی به دارایی مقامات، دستگاه‌های موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده ۲۹ قانون برنامه ششم توسعه نیز بشود. بر طبق ماده ۵ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹، دادستان مکلف شده است در صورتی که اموال و دارایی‌های مشمولان این قانون با توجه به دلایل و امارات موجود نامشروع و متعلق به بیت‌المال باشد، از دادگاه صالح رسیدگی و صدور حکم را تقاضا نماید. به منظور جمع‌آوری اطلاعات در این خصوص نیز ماده ۲ قانون الحاق موادی به قانون اجرای اصل ۴۹، دادستان‌های عمومی و انقلاب، سازمان بازرسی، دیوان محاسبات، مرکز اطلاعات مالی، وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران و نیروی انتظامی را مکلف کرده است اطلاعات و مستندات راجع به اموال مسئولان را که ظن به عدم مشروعیت آنها می‌رود، به دادستان کل کشور اعلام کنند. حتی به موجب تبصره این ماده به مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد نیز چنین اختیاری داده شده است.

حال پرسشی که در اینجا پیش می‌آید این است که بار اثبات نامشروع بودن این اموال برعهده کیست؟ در این خصوص، تبصره ۱ ماده ۴ قانون الحاق موادی به قانون اجرای اصل ۴۹ تصریح کرده

۱. خبرگزاری ایسنا، «دستور ویژه به رئیس دفتر بازرسی ویژه رهبری»، خبر شماره ۹۶۱۲۲۷۱۴۹۱۰ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۷.

۲. این ماده به عنوان ماده ۱۶ به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ الحاق شده است.

است که مفاد تبصره ۱ ماده ۲ قانون مبارزه با پول‌شویی با اصلاحات و الحاقات بعدی آن، در رسیدگی به پرونده‌های موضوع این قانون رعایت می‌شود که بر اساس آن هرگاه ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد، مسئولیت اثبات صحت آنها برعهده متصرف است. بنابراین، قانون‌گذار در اینجا به دلیل مقابله با فساد از اصل براءت عدول کرده و اماره مجرمیت را جایگزین آن ساخته است. از این رو، برخلاف نظارت رئیس قوه قضاییه بر دارایی مقامات که نظارتی ایستا و مبتنی بر خوداظهاری بود، نظارت دادستان، نظارتی فعال با دایره شمولی گسترده‌تر و همراه با ابزارها و احکام قانونی متناسب است.

۲.۲.۴. مراجع نظارت بر دارایی مقامات در امریکا

در امریکا رسیدگی به دارایی رئیس‌جمهور و معاون اول او با رئیس «اداره اخلاق حرفه‌ای دولت» و در مورد سایر مقامات و مستخدمان قوه مجریه، افشای دارایی‌ها به اداره اخلاق حرفه‌ای وزارتخانه یا سازمان مربوط صورت می‌گیرد. در قوه مقننه رسیدگی به این امر برعهده مدیر اجرایی مجلس نمایندگان^۱ است و وی رونوشتی از اعلامیه‌های دارایی را به کمیته اخلاق مجلس تقدیم خواهد نمود. در سنا نیز این وظیفه برعهده دبیر مجلس سنا است. در قوه قضاییه نیز قضات، دادستان‌ها و کارکنان قضایی نیز گزارش دارایی‌های خود را به مجمع قضایی ایالات متحده^۲ تقدیم می‌کنند (Maskell, 2013: 4-5). البته این امر مورد مخالفت قضات امریکایی قرار گرفته است. آنتونین اسکالیا^۳، قاضی سابق دیوان عالی کشور امریکا، در نظر مخالف خود در پرونده موريسون علیه اولسون^۴، خاطرنشان کرد که قانون اساسی ایالات متحده اجرای قانون را منحصرأ به قوه مجریه اعطا کرده است؛ درحالی که این قانون اختیار شروع تحقیقات جنایی را به مجلس نمایندگان و سنای ایالات متحده گسترش داده است که این نقض تفکیک قواست.

۵. ضمانت‌های اجرای نظارت بر دارایی مقامات عمومی

برخورداری از ضمانت اجرا ازجمله ویژگی‌های ذاتی قانون است و قانونی موفق است که دارای ضمانت اجرای مطلوبی باشد (Rasakh, 2006: 16). بند ۵ ماده ۵۲ کنوانسیون مقابله با فساد نیز در این خصوص تصریح می‌کند: «هر کشور عضو طبق قانون داخلی خود، ایجاد نظام‌های مؤثر افشای مالی را در خصوص مقامات دولتی و مجازات‌های مناسب را به سبب عدم رعایت آن، مدنظر قرار خواهد داد».

1. the Clerk of the House

2. Judicial Conference of the United States

3. Antonin Scalia

4. Morrison v. Olson, 487 U.S. 654 (1988)

انجام وظایف مربوط به اظهاریه دارایی یا مربوط به وظیفه ارائه اظهاریه دارایی یا مربوط به محتوای اطلاعاتی است که در اظهاریه دارایی ارائه می‌شود. بنابراین، با دو تخلف در این خصوص روبه‌رو هستیم: الف) تخلف در ارائه اظهاریه دارایی. این تخلف خود به دو دسته تقسیم می‌شود؛ یکی عدم ارائه اظهاریه دارایی و دیگری، تسلیم دیرتر از موعد اظهاریه دارایی.

ب) تخلف در اطلاعات مندرج در اظهاریه. این مورد به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱- اظهاریه ناقص دارایی در مورد اطلاعات مورد نیاز؛ ۲- اظهاریه سهوی نادرست و ساختگی؛ ۳- اظهاریه عمدی نادرست و ساختگی. در این راستا، بیشتر کشورهای دنیا با سازوکارهای اعلام دارایی به وسیله مجازات‌های قانونی حمایت می‌شوند و جرایم را به نحوی تعریف می‌کنند که همه موارد فوق را پوشش دهد.

۵.۱. جرم‌انگاری

بر اساس مطالعه بانک جهانی و دفتر مبارزه با جرم سازمان ملل متحد، ۶۰ تا ۹۰ درصد از [۷۴ نمونه] کشورها نوعی مجازات برای تخلف‌های یادشده را پیش‌بینی کرده‌اند. در بیش از ۸۰ درصد کشورهای دارای سازوکار اعلام دارایی، مجازاتی برای قصور در ارائه اظهاریه وجود دارد. با این همه، تقریباً در ۶۰ تا ۷۰ درصد این کشورها، اظهاریه دارایی ساختگی و جعلی قابل مجازات است (OECD, 2016: 155). بنابراین، عدم اعلام دقیق دارایی یا اعلام اشتباه آن جرم تلقی شده، طیف وسیعی از مجازات‌هایی همچون انفصال یا حکم انضباطی تا تعقیب کیفری و مصادره اموال را به همراه خواهد داشت (Langseth, 2008: 561). پس، مجازات عدم اعلام دارایی یا اعلام نادرست یا گمراه‌کننده باید آن قدر شدید باشد که به عنوان عامل بازدارنده مهمی عمل کند (Langseth, 2008: 370).

به طور کلی، جرم‌انگاری دارا شدن من غیرحق برای برخی نظام‌های قضایی، مفید شناخته شده است. این امر راه مقامات تعقیب را هموار می‌کند، هنگامی که با مقامی دولتی روبه‌رو می‌شوند که درآمد او با حقوق ماهیانه‌اش تناسب ندارد و می‌توان پرونده به ظاهر موجهی از فساد را تشکیل داد (UNODC, 2008: 122-123). با این همه، در نظام حقوقی ایران، نه در اصل ۱۴۲ قانون اساسی و نه قانون مصوب در این خصوص، هیچ ضمانت اجرایی برای تخلفات یادشده پیش‌بینی نشده و یکی از اصلی‌ترین ضعف‌های قانون رسیدگی به دارایی مقامات همین است؛ درحالی که می‌توانست برای مسئولانی که عدم صداقت آنها احراز می‌شود، ضمانت‌های اجرایی همانند برکناری از مسئولیت، انفصال از خدمات دولتی و محرومیت از تصدی برخی سمت‌ها پیش‌بینی کند (Torki, 2021: 261).

از این رو، قانون‌گذار تلاش کرد این خلأ را در قانون دیگری جبران نماید. ماده ۱۱۵ قانون برنامه ششم توسعه در این خصوص مقرر می‌دارد: «کلیه مقامات موضوع اصل (۱۴۲) قانون اساسی موظفند

دارایی خود را مطابق اصل مذکور به رئیس قوه قضاییه اعلام نمایند. عدم اعلام اموال یا کتمان آن یا گزارش ناقص آن، جرم و مستوجب مجازات تعزیری درجه شش می‌باشد». مطابق ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به دارایی مقامات، چنانچه به تشخیص رئیس قوه قضاییه دارایی افراد مشمول قانون برخلاف حق افزایش یافته باشد، ضمن اتخاذ تصمیم در خصوص دارایی افزایش یافته، در صورت ارتکاب تخلف یا انتساب اتهام، مراتب را به مرجع صالح ارجاع می‌دهد تا مبنی بر تصمیم متخذه مورد رسیدگی قرار گیرد. در ماده ۱۹ آیین‌نامه فوق نیز مقرر شده است که اگر مشمولان ماده ۱ قانون در مهلت مقرر نسبت به ارائه فهرست دارایی‌های خود به اداره کل ثبت دارایی‌ها اقدام نکنند و یا دارایی خود را کتمان یا گزارش ناقص ارائه نمایند، اداره کل موظف است مراتب را برای تعقیب کیفری به دادستان تهران اعلام نماید تا در اجرای ماده ۱۱۵ قانون برنامه ششم اقدام قانونی به عمل آید. افزون بر این به موجب ماده ۲۲ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، اگر بر اساس گزارش دادستان کل کشور و حکم دادگاه، نامشروع بودن اموال مسئولان اثبات شود، اموال یادشده مصادره و به بیت‌المال یا صاحب حق بازگردانده خواهد شد.

البته در خصوص مصادره اموال نامشروع، همچنان نگرانی خبرگان قانون اساسی در مورد استرداد دارایی‌های خارج شده وجود دارد که معتقد بودند که تصویب اصل ۱۴۲ موجب می‌شود مسئولان در کشورهای خارج سرمایه‌گذاری کنند (Assembly for the Final Review of the Constitution, 1985: 1287). به همین دلیل، برخی از خبرگان، رسیدگی به این اموال را کافی ندانسته، پیشنهاد کردند که با اضافه کردن حکمی مبنی بر ممنوعیت افتتاح حساب در بانک‌های خارجی یا منع خرید ملک یا سرمایه‌گذاری در خارج از کشور، این اصل تکمیل شود (Assembly for the Final Review of the Constitution, 1985: 1289). این کاستی تا حدودی با موافقت‌نامه‌های دوجانبه حمایت قضایی و استرداد مجرمان مرتفع شده است، اما معمولاً اموال در کشورهایی سرمایه‌گذاری می‌شود که ایران با آنها موافقت‌نامه‌ای ندارد. بنابراین، تصویب قانونی در زمینه ضبط، مصادره و استرداد دارایی‌های ناشی از فساد ضرورت دارد^۱.

۵.۲. اطلاع‌رسانی عمومی

اثربخشی رسیدگی به دارایی مقامات در گرو پذیرش حق دسترسی مردم به اطلاعات مالی موجود در اظهاریه دارایی است، چراکه افشای اطلاعات مالی از سوی آنان، انگیزه سوءاستفاده از قدرت تفویض شده به مقامات را کاهش می‌دهد (Taghizadeh, Behroozinejad, 2019: 106). مطالعات صورت گرفته نیز نشانگر آن است که کشورهایی که دارای نظام دسترسی آسان مردم به اطلاعات اموال مسئولان

۱. جهت مطالعه بیشتر، ر.ک. Molakarim & Amiri, 2021.

هستند، دارای کمترین میزان فساد است (Mukherjee & Gokcekus, 2006: 327)؛ چراکه با افشای عمومی، پنهان کاری مسئولان به بهانه محرمانه بودن اطلاعات دشوار می‌گردد (Khezri, 2008: 82). با وجود این، ماده ۵ قانون رسیدگی به دارایی، فهرست دارایی‌های افراد مشمول و نیز اسناد و اطلاعات مربوط به آن را محرمانه تلقی کرده، افشا یا انتشار مندرجات این اسناد را جرم‌انگاری نموده است. پس قانون یادشده، نه تنها مجازاتی برای تخلفاتی که ممکن است مقامات در ارائه اظهاریه دارایی مرتکب شوند، پیش‌بینی نکرده، بلکه آن را سندی محرمانه دانسته است. پرسشی که مطرح می‌شود این است که هدف از اظهاریه دارایی چیست؟ مگر نه این است که دارایی مقامات که طیف وسیعی از آنها منتخب شهروندان هستند، شفاف و روشن شود تا زمینه اعتماد عمومی و سلامت اداری محقق گردد؛ و گرنه چه فایده‌ای از ورای این قانون می‌توان متصور شد. همچنین، چنین حکمی را می‌توان مغایر با اصل هشتم قانون اساسی دانست که امر به معروف و نهی از منکر را از جمله وظایف مردم نسبت به دولت دانسته است.

بنابراین، محتوای این قانون نمی‌تواند اهداف آن را پوشش دهد و عدم دسترسی به اطلاعات مربوط و جرم‌انگاری افشای آنها پاشنه آشیل این قانون و مغایر با حقوق شهروندان در دسترسی به اطلاعات است (Dadkhodaei, 2013: 229). البته در اینجا پرسشی مطرح می‌شود که با توجه به حکم مقرر در ماده ۷ قانون ارتقای سلامت نظام اداری، تکلیف افشاکنندگان فساد و حمایت از آنها با وجود ماده ۵ قانون رسیدگی به دارایی مقامات چه می‌شود؟ به نظر می‌رسد در مقام جمع این دو حکم می‌توان گفت که افشای این اطلاعات به مراجع ذیصلاح از جمله سازمان‌های نظارتی، منصرف از انتشار عمومی آنها است. البته اگر افشاگری مبنی بر نامشروع بودن اموال باشد، مشمول حمایت‌های قانون حمایت از گزارشگران فساد مصوب ۱۴۰۲ آذر ۱۴ قرار خواهد گرفت؛ چراکه به موجب ماده ۲ این قانون، گزارشی که حاوی رفتارهای موضوع ماده ۱۹ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ باشد، از حمایت‌های این قانون برخوردار خواهد شد.

با وجود این، در امریکا به موجب جزء ۱ بند «الف» بخش ۸ قانون استاک ۲۰۱۲، مقرر شده است که ظرف کمتر از ۳۰ روز از تاریخی که اعلامیه دارایی و اموال نمایندگان کنگره پر می‌شود، این اعلامیه در تارنمای کنگره در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.^۲ همچنین، بر اساس جزء ۱ بند «الف» بخش ۱۱

1. Stop Trading on Congressional Knowledge Act of 2012 or the STOCK Act

2. Section 8 (a) (1) of STOCK Act: "the Secretary of the Senate and the Sergeant at Arms of the Senate, and the Clerk of the House of Representatives, shall ensure that financial disclosure forms filed by Members of Congress, candidates for Congress, and employees of Congress in calendar year 2012 and in subsequent years pursuant to title I of the Ethics in Government Act of 1978 are made available to the public on the respective official websites of the Senate and the House of Representatives not later than 30 days after such forms are filed".

قانون یادشده^۱، ظرف کمتر از ۳۰ روز از تاریخی که اعلامیه دارایی و اموال مقامات نامبرده در بخش ۱۰۱ قانون اخلاق حرفه‌ای در دولت پر می‌شود، این اعلامیه‌ها در تارنمای مرتبط هر وزارتخانه و سازمان به فراخور منتشر می‌شود. همچنین طبق جزء ۱ بند «ب» بخش ۱۰۵ قانون پیش گفته^۲، مقامات ناظر در هریک از قوای سه‌گانه مکلف به انتشار و اطلاع‌رسانی عمومی این گزارش‌ها هستند^۳.

البته این رویکرد مورد انتقاد قرار گرفت. با اجرای قانون استاک، دولت ملزم به انتشار عمومی اینترنتی تمامی اعلامیه‌های دارایی نزدیک به ۳۰ هزار کارمند دولت شد. این امر نگرانی‌هایی را در مورد احتمال سرقت هویت، افزایش فرصت‌های استخراج داده‌های مخرب و امنیت بسیاری از کارکنان فدرال مجری قوانین یا کسانی که در خارج از کشور مشغول به کار هستند ایجاد کرد. همچنین در خصوص نقض قانون اساسی در مورد حریم خصوصی مالی نگرانی وجود داشت^۴. این موارد به مطالعه و بررسی مجدد انتشار اینترنتی اعلامیه دارایی مقامات فدرال در سطوح پایین‌تر انجامید. در مطالعه‌ای که از سوی آکادمی مستقل اداره عمومی ملی صورت گرفت، این سازمان نتیجه‌گیری کرد که «الزام انتشار آنلاین کمکی به شناسایی تعارض منافع و معاملات داخلی نمی‌کند، اما می‌تواند به مأموریت‌های فدرال و کارکنان آن آسیب برساند». کنگره با اصلاح قانون استاک به این نگرانی‌ها پاسخ داد و تنها بالاترین مقامات فدرال را ملزم به انتشار عمومی اعلامیه دارایی آنها در فضای مجازی نمود (Maskell, 2013: 5). افزون بر این، در ایالات متحده به موجب ماده ۸۰۶ قانون ساکس^۵ به کارمندان در صورت افشای تخلف مالی مدیران خود مصونیت و امنیت شغلی اعطا شده است (Watinick, 2007: 835). این گونه قوانین در راستای حمایت از افشاگران در برابر اعمال تلافی‌جویانه رؤسای آنهاست که ساده‌ترین آن، اخراج گزارشگران است. در حقیقت، افشاگر زنبوری است که تنها یک نیش دارد که استفاده از آن باعث مرگ خود او می‌شود (Rostami & Ghasemi, 2018: 647).

1. Section 11 (a) (1): "the President shall ensure that financial disclosure forms filed pursuant to title I of the Ethics in Government Act of 1978, by executive branch employees specified in section 101 of that Act are made available to the public on the official websites of the respective executive branch agencies not later than 30 days after such forms are filed".

2. Section 105 (b) (1) of Ethics in Government Act: "Except as provided in the second sentence of this subsection, each agency, each supervising ethics office in the executive or judicial branch, the Clerk of the House of Representatives, and the Secretary of the Senate shall, within thirty days after any report is received under this title by such agency or office or by the Clerk or the Secretary of the Senate, as the case may be, permit inspection of such report by or furnish a copy of such report to any person requesting such inspection or copy".

۳. این اطلاعات در سایت www.publicintegrity.org/Statedisclosure بارگذاری می‌شود.

4. See: Senior Executives Association v. United States, Civil Action No. 8:12-cv-02297 (S.D. Md. March 27, 2013).

5. Section 806 of The Sarbanes-Oxley Act (SOX) 2002

۶. نتیجه‌گیری

امروزه اعلام دارایی مقامات دولتی به ابزار رایج و مهمی برای مبارزه با فساد تبدیل شده است؛ به‌اندازه‌ای که بدون وجود شفافیت مالی، صحبت از پاسخگویی بی‌فایده است. بر این اساس، مقام عمومی که دارایی او در دوران تصدی به شکل نامتعارفی افزایش یافته و با توجه به درآمدهای قانونی وی که دلیل موجهی برای چنین افزایشی نداشته باشد، تحت پیگرد و مجازات قرار می‌گیرد. جهت تحقق این هدف، حکومت و مردم باید از امکان مقایسه دارایی‌های واقعی مقامات عالی‌رتبه، پیش و پس از دوره تصدی برخوردار باشند. به این ترتیب، دولت‌ها با مقرر نمودن این نوع سازوکار ارزیابی پیشینی در قانون اساسی یا قوانین عادی خود مانع بروز فساد می‌شوند. به این مهم در نظام حقوقی ایران در اصل ۱۴۲ قانون اساسی توجه شده است و قانون رسیدگی به دارایی مقامات نیز در همین راستا تصویب شده است. در امریکا نیز در سال ۱۹۷۸ قانون اخلاق در حکومت به تصویب رسید که به موجب آن، مقامات عالی‌رتبه قوای سه‌گانه مکلف به افشای دارایی‌های خود می‌شوند. با وجود این، افشای دارایی مقامات عمومی مستلزم اصول و قواعد خاصی است تا به درستی عمل نموده و حالتی شفاف و کارآمد داشته باشد. بر این اساس، بررسی و مقایسه قواعد حاکم بر رسیدگی به دارایی مقامات این دو نظام حقوقی نشانگر آن است که نخست، در امریکا میزان و جزئیات اطلاعات مربوط به دارایی‌های مقامات عمومی در دسترس مردم قرار گرفته و در تارنمای هر وزارتخانه یا سازمان مربوط منتشر می‌شود. با وجود این، مطابق قوانین ایران، داده‌های مربوط به دارایی مقامات، محرمانه تلقی شده، افشای آنها مجازات‌هایی را برای افشاکننده به دنبال دارد؛ در این صورت، هیچ تضمینی برای اطلاع‌رسانی عمومی و در نتیجه، فشار افکار عمومی بر مقامات فاسد وجود ندارد. دوم، قانون رسیدگی به دارایی مقامات، فاقد ضمانت اجراست و ضمانت اجرای آن در قانون موقت برنامه ششم توسعه که مدت اجرای آن پایان یافته، تعیین شده است. سوم، برخلاف نظام حقوقی امریکا که مقامات هرساله ملزم به افشای دارایی‌های خود هستند، در ایران این امر تنها در ابتدا و انتهای تصدی صورت می‌گیرد و در حین خدمت، نظارتی وجود ندارد. چهارم، در امریکا به منظور رعایت تفکیک قوا، مسئولیت نظارت بر این امر در قوای سه‌گانه در همان قوه مستقر شده است، اما در ایران برعهده قوه قضاییه قرار گرفته است. با توجه به موارد پیش گفته، لازم است قانون رسیدگی به دارایی مقامات به گونه‌ای اصلاح شود که نخست، ضمانت اجرای نقض قواعد آن به‌ویژه ارائه اطلاعات نادرست اعلامیه دارایی و کتمان آن تعیین گردد و دیگر اینکه اطلاعات مربوط به دارایی مقامات از محرمانگی خارج و در صورت اعلام آنها، از افشاگران حمایت شود؛ نه اینکه مجازات گردند. در پایان نیز لازم است همچون سایر کشورها دوره زمانی سالیانه‌ای برای اعلام دارایی‌های مقامات در قانون تعیین شود.

References

1. Abedi Jafari, Hassan & Zarandi, Saeed (2009). Systemic Design to Ensure the Accuracy of Declared Assets by Officials. *Rahbord*, 18(53), 57–74 ([In Persian](#)).
2. Ackerman, Susan Rose (2006). *Corruption and Government: Causes, Consequences, and Reform*. 1st ed. Tehran: Pardis-e Danesh ([In Persian](#)).
3. Afuso-Emah, W. Paati; Supramanin, Raj & Aperti, Kishor (2005). *Legal Frameworks for Combating Corruption*. Translated by Ahmad Ranjbar. Tehran: Majles Research Center ([In Persian](#)).
4. Amid Zanjani, Abbasali (2008). *General Principles of Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran*. 3rd ed. Tehran: Majd Publications ([In Persian](#)).
5. Amini, Iraj (2009). *Bar Bal-e Bohran: Zendegi-ye Siasi-ye Ali Amini*. 3rd ed. Tehran: Nashr-e Mahi ([In Persian](#)).
6. Assembly for the Final Review of the Constitution (1985). *Official Minutes of the Assembly for the Final Review of the Constitution*, Vol. 2. Tehran: Majles Public Relations Office ([In Persian](#)).
7. Chêne, Marie (2008). *African Experience of Asset*, The U4 Anti-Corruption Resource Centre.
8. Council for the Revision of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. (1990). *Official Minutes of the Council for Constitutional Revision*, Vol. 3. Tehran: Majles Cultural and Public Relations Bureau ([In Persian](#)).
9. Dadkhodaei, Leila (2013). A Study on the Concept of Corruption and the Preventive Approach of the Iranian Legislator in the Law on Promotion of Administrative Health and Combating Corruption. *Taali-ye Hoquq*, 5(2), 219–240 ([In Persian](#)).
10. Gokcekus, Omer & Mukherjee, Ranjana (2006). *Officials Asset Declaration Laws: Do They Prevent Corruption?*. Seton Hall University.
11. Guardian Council of the Islamic Republic of Iran (2010). *Opinion on the Draft Law Regarding Assets of Officials and Agents of the Islamic Republic of Iran*, No. 41905/30/89, dated March 19, 2011 ([In Persian](#)).
12. Hashemi, Ahmad Ali & Taghizadeh, Ebrahim (2015). *Property Law and Ownership*. 3rd ed. Tehran: Majd Publications ([In Persian](#)).
13. Hashemi, Seyyed Mohammad (2000). *Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran*. Vol. 2, 4th ed. Tehran: Dadgostar Publications ([In Persian](#)).
14. Jafari Langaroudi, Mohammad Jafar (2021). *Expanded Terminology of Law*, Vol. 3. 8th ed. Tehran: Ganj-e Danesh Publications ([In Persian](#)).
15. Kaabi, Abbas (2015). *Analysis of the Islamic Republic System Based on the Principles of the Constitution*, Vol. 1. Tehran: Yazdan Publications ([In Persian](#)).
16. Katouzian, Nasser (2021). *Preliminary Course in Civil Law: Property and Ownership*. 56th ed. Tehran: Mizan Publications ([In Persian](#)).
17. Khezri, Mohammad (2008). *Pathology of Anti-Corruption Methods in Iran*. *Strategic Studies Quarterly*, 11(42), 813–826 ([In Persian](#)).
18. Langseth, Peter (2008). *Global Anti-Corruption Programs*. Tehran: Majles Research Center ([In Persian](#)).
19. Majles Research Center (2008). *Expert Report on the Draft Law on the Assets of Officials and Agents of the Islamic Republic of Iran (Returned by the Guardian Council)*. Report No. 9079. Tehran ([In Persian](#)).

20. Majlesi, Mohammad Baqer (1982). *Bihar al-Anwar*, Vol. 40. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi ([In Arabic](#)).
21. Makarem Shirazi, Naser, et al. (2011). *Payam-e Imam Amir al-Mo'menin (a.s.): A New and Comprehensive Commentary on Nahj al-Balagha.*, Vol. 14. 1st ed. Qom: Imam Ali ibn Abi Taleb Publications ([In Persian](#)).
22. Maskell, Jack (2013). *Financial Disclosure by Federal Officials and Publication of Disclosure Reports*, Congressional Research Service.
23. Meidari, Ahmad (2006). An Introduction to the Theory of Good Governance. *Social Welfare Quarterly*, 6(22), 261–286 ([In Persian](#)).
24. Mirmohammadi, Seyyed Mohammad (2004). *Model of Supervision and Control in the Administrative System of the Islamic Republic of Iran*. 1st ed. Tehran: SAMT Publications ([In Persian](#)).
25. Mirsaedi, Seyyed Mansour & Najjarzadeh Ahari, Hojjat (2012). Unjust Enrichment in Iranian Law in the Light of the UN Convention Against Corruption. *Legal Research Journal*, 11(21), 57–80 ([In Persian](#)).
26. Molakarimi, Omid & Amiri, Saleh (2021). Challenges of the Islamic Republic of Iran in Criminalizing Illicit Enrichment under the UN Convention Against Corruption. *Public Law Studies*, 4(51), 1–22 ([In Persian](#)).
27. Moradkhani, Fardin & Sabaghi Valashani, Ebrahim . (2022). A Critique of the Guardian Council's View on the Development of the Authorities Mentioned in Article 142 of the Constitution. *Administrative Law Journal*, 9 (30), 157-176 ([In Persian](#)).
28. Najjarzadeh Ahari, Hojjat; Ardabili, Mohammad Ali; Mehra, Nasrin; & Mahdavi Sabet, Mohammad Ali (2020). Prevention of Financial Corruption Through Supervision of Public Officials' Assets. *Judicial Law Journal*, 84(110), 1–25 ([In Persian](#)).
29. OECD (2011). *Asset Declarations for Public Officials: A Tool to Prevent Corruption*.
30. OECD (2016). *Asset Declarations by Public Officials: A Tool for Preventing Corruption*. Translated by Gholamhossein Homayouni. Tehran: Center for Studies on Administrative Health and Anti-Corruption ([In Persian](#)).
31. Premchand, Arigapudi (2006). *Financial Accountability in the Public Sector*. Translated by Afshin Khakbaz & Mohammad Ghasemi. Majles va Pajouhesh, 13(51), 299–334 ([In Persian](#)).
32. Rasakh, Mohammad (2006). *Intrinsic and Accidental Features of Law*. Majles va Pajouhesh, 13(51), 13–40 ([In Persian](#)).
33. Rasakh, Mohammad (2011). *Supervision and Balance in the Constitutional System*. 2nd ed. Tehran: Derakh Publications ([In Persian](#)).
34. Research Institute of the Guardian Council (2021). *Annotation of the Constitution of the Islamic Republic of Iran*, Vol. 2. 1st ed. Tehran: Nashr-e Pazhouheshkadeh-ye Shoray-e Negahban ([In Persian](#)).
35. Rossi, Ivana; Laura, Pop, & Tammar Berger (2017) *Getting the Full Picture on Public Officials: a How-to Guide for Effective Financial Disclosure*. are available at: <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/2172>
36. Rostami, Vali & Ghasemi, Mohammadreza (2018). Legal Mechanisms for Activating the Capacity of Whistleblowers: A Comparative Study of Iran and the United States. *Comparative Law Studies*, 9(2), 639–659 ([In Persian](#)).
37. Sadeghpour, Abolfazl & Moghaddas, Jalal (1993). *Organization, Management, and the*

-
- Science of Management*. 2nd ed. Tehran: Markaz-e Amoozesh-e Modiriyat-e Dolati ([In Persian](#)).
38. Saleh-Ahmadi, Saeed (2021). *The Constitution of the Islamic Republic of Iran in the Current Legal Order*. 1st ed. Tehran: Ketab-e Ava ([In Persian](#)).
 39. Taghizadeh, Javad & Behroozinejad, Shirin (2019). Investigation of the Property and Assets of Officials in Iran's Legal System. *Administrative Law Quarterly*, 7(21), 83–113 ([In Persian](#)).
 40. Tayebi Tavakkol, Hassan (2016). *The Legal System and Frameworks for the Transfer of State Real Properties*. 1st ed. Tehran: Jangal Publications ([In Persian](#)).
 41. Torki, Gholamabbas (2021). *An Analysis of Financial Corruption in Iran*. 2nd ed. Tehran: Mizan Publications ([In Persian](#)).
 42. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC). (2008). *Legislative Guidelines for the Implementation of the United Nations Convention against Corruption*. Translated by Hamid Bahremand Beknazar. Tehran: Majles Research Center ([In Persian](#)).
 43. Vakilian, Hassan & Derakhshan, Davar (2017). The Efficiency of Asset Disclosure Laws in Reducing Administrative Corruption: A Comparative Approach. *Judicial Legal Perspectives*, 22(77), 225–250 ([In Persian](#)).
 44. Watnick, Valerie (2007). Whistleblower Protections under the Sarbanes-Oxley Act: A Primer and a Critique, *Fordham Journal of Corporate & Financial Law*, Vol. 12 (5), 831-879.
 45. *Ethics in Government Act* (1978).
 46. Stop Trading on Congressional Knowledge Act or the STOCK Act (2012).
 47. The Sarbanes-Oxley Act or SOX Act (2002).